

بررسی واژه «دیدن» براساس معناشناسی قالبی

سید حمزه موسوی^{۱*}، محمد عموزاده^۲، والی رضایی^۳

۱. دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۳/۸/۱۸

دریافت: ۹۳/۴/۲۹

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی واژه «دیدن» از منظر معناشناسی قالبی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه معنای برخی از واژه‌ها در تجارب روزمره و دانش پیش‌زمینه انسان‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، هدف این مقاله دستیابی به تفاوت معنایی ظریف بین واژگان هم‌معناست و تصور بر این است که ریشه این تمایزات در تجارب نهفته باشد که چنین تمایزات معنایی در لغتنامه‌ها عموماً نادیده گرفته می‌شود. راهکار انجام این تحقیق، بررسی متون متنوع و پیکره‌ای است تا این طریق بتوانیم قالب‌های معنایی فعل «دیدن» را یافته و از یکسو روابط و تفاوت‌های بین فعل «دیدن» و فعل‌های هم‌معنا نظیر «مشاهده کردن»، «تماشا کردن»، «نگاه کردن» و غیره را استخراج کنیم و از سوی دیگر، چندمعنایی فعل «دیدن» را در قالب‌های متعدد مشخص نمائیم. از تحلیل داده‌ها می‌توان به نتایجی چند دست یافت. از آن جمله می‌توان نشان داد که رابطه بین قالب‌های متعدد با قالب «ادرارکی-دیداری» عامل ایجاد چندمعنایی فعل «دیدن» شده است. همچنین، واژگان دیگری که با ادرارک دیداری در ارتباط هستند، از طریق متغیرهایی از قبیل هدف، دقت، اراده و غیره از فعل «دیدن» تمیز داده شده‌اند. آنچه درنهایت حاصل می‌آید الگویی از ارتباط معنایی فعل «دیدن» و سایر افعال هم‌معنا می‌باشد.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی قالبی، واژه‌نامه، قالب‌بنت، هم‌معنایی.

۱. مقدمه

اگر لغتنامه رهخدا را برای یافتن واژه دیدن ورق بزنیم به معادلهای همچون «نگریستن، رویت کردن، نگریدن، نگاه کردن، نظر انداختن، عیان، معاینه، آگهی یافتن، ابصار، لحاظ و ملاحظه و مشاهده» برخورد خواهیم کرد. همچنین ممکن است نمونه‌هایی از کاربرد این واژه را در بافت‌های زبانی مختلف بباییم. لغتنامه رهخدا در همین‌جا متوقف می‌شود و بیش از این چیزی در اختیار ما قرار نمی‌دهد، چون واژه‌نامه‌ها به دانش پیش‌زمینه^۱ سخنگویان توجهی نمی‌کنند. با درنظرگرفتن دانش پیش‌زمینه

سخنگویان زبان فارسی، مقاله حاضر سعی دارد علاوه بر موشکافی معنایی فعل «دیدن»، این فعل را در قالب «ادراکی- دیداری» با دیگر افعال هم‌معنا مقایسه کند.

فیلمور و آنکینز (1992) با اذعان به این مشکلات، واژه‌نامه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که در آن‌ها مفهوم هر واژه، روابط بین واژه‌های چندمعنا و مخصوصاً به‌ظاهر هم‌معنا، از طریق ساختارهای شناختی (قالب‌ها) محقق می‌شود. این واژه‌نامه‌ها که به صورت الکترونیکی برای زبان انگلیسی محقق شده‌اند، شامل پنجره‌های رایانه‌ای است که در آن بین معانی واژگانی و الگوهای نحوی- واژی ارتباطی برقرار می‌شود. هر کدام از اجزای این الگوهای نحوی- واژی با قالب معنایی مربوطه نمایه شده است. فرازبانی که برای توصیف نمایه‌ها به کار برده شده، حاوی مقولاتی است که توصیف‌کننده قالب‌های زیربنایی است. به این ترتیب، وجود هر کدام از این توصیفات، ابزاری در اختیار کاربران قرار می‌دهد تا بتوانند به قالب‌های زیربنایی مرتبط دسترسی داشته باشند.

حال اگر بخواهیم برای فارسی‌زبانان واژه‌نامه‌ای براساس نظریه قالب‌های معنایی ارائه دهیم، مدخل واژه «دیدن» به چه شکل خواهد بود؟ چگونه تمایزات معنایی ظریف بین واژگان هم‌معنا را می‌توان مشخص نمود؟ آنچه از این پرسش‌ها آشکار می‌شود این است که هدف اصلی این مقاله آشکار ساختن تفاوت‌های معنایی ظریف بین واژه‌های هم‌معناست. هدف دیگر این مقاله نشان دادن چگونگی ارتباط بین قالب‌های مختلفی است که فعل «دیدن» در آن‌ها تعریف می‌شود، به این معنا که قصد داریم نشان دهیم معانی متفاوت فعل دیدن چگونه در قالب «ادراکی دیداری» جمع می‌شوند. مطالعاتی که در حوزه نظریه قالب‌های معنایی انجام گرفته است، اغلب به قالب‌های ملموس‌تر همچون «بازرگانی»، «سرقت»، «خشکی» و غیره پرداخته‌اند، اما در این مقاله قصد داریم تا به توصیف یکی از واحدهای واژگانی قالب «ادراکی- دیداری»، یعنی «دیدن» پردازیم.

۲. پیشینه تحقیق

کمتر تحقیقی در زبان فارسی به‌طور اختصاصی واژه «دیدن» را مورد بررسی قرار داده است، با این وجود دستورنویسان سنتی و معاصر آن را فعلی ساده قلمداد کرده‌اند (نک. انوری و گیوی، ۱۳۹۱). در مورد ترکیب واژگانی با فعل «دیدن»، رضاییان و سالاری (۱۳۹۲) از منظر زبان‌شناسی تاریخی به بررسی واژه مرکب « DAG دیدن » پرداخته‌اند و درنهایت نشان داده‌اند که این ترکیب ابتدا نوعی ترکیب دستوری بوده و در طول تاریخ به صورت فعلی مرکب به معنای « متحمل شدن رنج » تحول یافته است. هرچند قالب‌های معنایی فعل «دیدن» در زبان فارسی با فعل *see* در زبان انگلیسی کاملاً متفاوت است، اما نمی‌توان از رساله بیکر (1999) در مورد بررسی واژه *see* از منظر معناشناسی قالبی صرف نظر کرد. وی ترکیب‌های دستوری این واژه را در جدولی نشان داده و قالب‌های معنایی این واژه

را به طور مفصل ترسیم کرده است. برای مثال اگر دو جمله زیر را در نظر بگیریم:

1. She saw the cat on the mat.
2. I'll see you to the door.

چندمعنایی جملات «۱» و «۲» ناشی از وجود قالب‌های معنایی مجزا می‌باشد، چرا که قالب واژه دیدن در جمله «۱» قالب «ادرانکی- دیداری» است، درحالی‌که قالب جمله «۲» قالب «مشایعت کردن» است. از آثار دیگری که به طور مختصر قالب‌های واژه «دیدن» را نشان داده است، قالب‌نت زبان انگلیسی دانشگاه برکلی است.^۳ برای زبان فارسی نیز لازم است قالب‌نت راهاندازی شود و در این صورت قالب «ادرانکی- دیداری» نیز می‌تواند بخشی از آن باشد.^۴

هرچند هدف اصلی این مقاله بررسی چندمعنایی نیست، اما ناخواسته بخش دوم مقاله به آن گره می‌خورد. برای چندمعنایی افعال حسی در زبان فارسی می‌توان به فیاضی (۱۳۸۸) و فیاضی و دیگران (۱۳۸۷) اشاره کرد. آن‌ها در چارچوب زبان‌شناسی شناختی، استعاره را برای تحلیل چندمعنایی این افعال مناسب دیده‌اند. همچنین سلطانی و عموزاده (۱۳۹۱) در بحث افعال حرکتی، چندمعنایی فعل «آوردن» را از منظر شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند.

واژه‌هایی که در زبان‌های مختلف بیشتر مورد تحقیق قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: «بازرگانی»، «دزدی»، «سرزمین»، «ساحل» و «خشکی»، چرا که این موارد تفاوت‌های معنایی بین واژگانی را که براساس یک رویداد واحد تعریف می‌شوند، به شکل ملموس‌تری نمایش می‌دهند. قالب‌های معنایی ابزار مناسبی برای تحلیل‌هایی از این دست محسوب می‌شوند.

۳. ملاحظات نظری

در این بخش از مقاله ابتدا به ملاحظات نظری معناشناسی شناختی می‌پردازیم و سپس به طور خلاصه نظریه معناشناسی قالبی را ارائه می‌کنیم.

زبان‌شناسی شناختی ریشه در مباحث زبانی و علوم شناختی نوظهور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و به‌ویژه در بررسی چگونگی تشکیل مقوله‌بندی در ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالتی دارد (Vide. Evans & Green, 2006). با این‌که مدت زیادی از عمر زبان‌شناسی شناختی نمی‌گذرد، اما این رویکرد به یکی از مهم‌ترین سنت‌های زبان‌شناسی تبدیل شده است و توانسته با شاخه‌های علمی متنوعی همچون روان‌شناسی، عصب‌شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و نقد ادبی تعامل برقرار کند (نک. راستخ‌مهند، ۱۳۹۰: ۶).

یکی از مباحث معناشناسی شناختی این است که درک معنا به صورت دایرةالمعارفی انجام می‌گیرد. به عبارتی معنای هر واژه را بدون آگاهی از دانش دایرةالمعارفی نمی‌توان درک کرد. به این ترتیب

معانی واژه‌ها درون نظامی از این دانش درک می‌شوند که البته نظامی مفهومی است (نک. همان: ۶۵). از جمله نظریه‌هایی که به توصیف این دانش اختصاص دارد نظریه معناشناسی قالبی^۱ است که فیلمور در دهه ۱۹۷۰ آن را براساس قالب مشهور «رویداد بازرگانی»^۲ ارائه داده است (Vide. Croft & Cruse, 2004: 7).

معناشناسی قالبی با نگاهی خاص به معنای واژگانی نشان می‌دهد که معانی جدید چگونه به معنای متن افزوده می‌شوند. به همین دلیل فیلمور (1982) «قالب» را نظامی از مفاهیم مرتبط دانسته که درک هر کدام از آن‌ها را بدون درنظرگرفتن کل ساختار سازنده غیر ممکن می‌داند. وی قالب را در برابرگیرنده مفاهیم دیگری همچون طرح‌واره^۳، چارچوب^۴، صحنه‌سازی^۵، چارچوب اندیشگانی^۶، الگوی شناختی^۷ و نظریه عامیانه^۸ می‌داند.

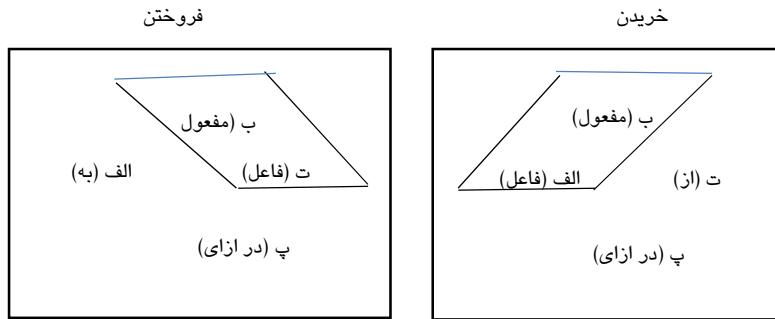
البته باید دقت داشت که نظریه‌هایی مشابه این نظریه همچون نظریه نقطه متحرک^۹ - نقطه ثابت^{۱۰} (Vide. Langacker, 1987) و نما^{۱۱} - زمینه^{۱۲} (Vide. Talmy, 2000) وجود دارند، اما نظریه قالب‌های معنایی نسبت به نظریه‌های رقیب بسیار قوی‌تر بیان شده است؛ چرا که نظریه‌های ذکر شده ممکن است فقط در مورد واژه‌های خاص (مثلًاً افعال حرکتی) قابلیت تبیین بالا داشته باشند، اما در مورد سایر واژه‌ها این قابلیت تضعیف شود. از این منظر، قالب‌های معنایی، بسیار عمیق‌تر بیان شده است و کل مجموعه واژگانی را پوشش می‌دهد.

فیلمور و آنکیز (1992) قالب «مفاهیم بازرگانی» را مطرح کرده‌اند و هر واژه یا عبارت اصطلاحی را با توصیف ظرفیت فعلی به هم ربط می‌دهند. انگر و اشمید (2006) قالب «خریدن» را به صورت نمودار «۱» ترسیم کرده‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که قالب «رویداد بازرگانی» برای بیان فعل‌های دیگری همچون «فروختن»، «پرداخت کردن» و «خروج کردن» نیز به کار می‌رود.

الف (خریدار)	ب (کالاها)
	ت (فروشنده)
	پ (پول)

شکل ۱ قالب معنایی «خریدن»

حال براساس شکل «۱» می‌توان تفاوت «خریدن» و «فروختن» را در شکل «۲» مشاهده کرد و دریافت که در قالب «بازرگانی» چه چیز باعث تفاوت معنایی دو فعل ذکر شده گردیده است:



شکل ۲ تفاوت «خریدن» و «فروختن»

به این ترتیب تفاوت بین «خریدن» و «فروختن» براساس نظریه قالب‌های معنایی به رابطه بین خریدار و کالا از یکسو و فروشنده و کالا از سوی دیگر بازمی‌گردد.

مثال دیگری که فیلمور (1982) ارائه داده است به تفاوت دو واژه *shore* و *coast* اشاره کرده و منشأ این تفاوت را در قالب‌های معنایی جستجو کرده است؛ چرا که واژه *shore* به معنای ساحل از دید کسی است که در دریا حضور دارد؛ مثلاً سرنشیین کشتی، درحالی‌که *coast* ساحل از دیدگاه کسی است که در خشکی حضور دارد. این تفاوت، نظریه قالب‌های معنایی را به خوبی نشان می‌دهد.

۴. روش تحقیق

در تحقیق حاضر شیوه نظری و تحلیلی به کار رفته است. داده‌های این مقاله که از طریق جستجو در پیکرهای مشتمل بر ۲۳۰۹ جمله برگرفته از داستان‌ها و بیانات فارسی انجام می‌گیرد، براساس نظریه قالب‌های معنایی چارلز فیلمور مورد بررسی قرار گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا براساس مدخل واژگانی فعل «(دیدن» در لغتنامه‌های دهداد، معین و عمیق، تمام واژگانی را که در قالب «ادراکی- دیداری» آورده شده‌اند در نظر می‌گیریم. برای فعل «(دیدن»، تمام داده‌های جمع‌آوری شده در قالب‌هایی طبقه‌بندی شدند و برای سایر افعال فقط قالب «ادراکی- دیداری» مورد نظر قرار گرفته است. سپس داده‌های مربوط به فعل «(دیدن» با دیگر داده‌ها مقایسه شدند و از بین آن‌ها عناصر قالبی عامل تمایز معنایی به دست آمدند. از آنجا که داده‌های مربوط به فعل «(دیدن» جداگانه طبقه‌بندی شده‌اند، در بخش دوم مقاله، قالب‌های متعددی را که فعل «(دیدن» در آن‌ها تعریف شده است، استخراج کردیم. در پایان، از واژه‌نامه‌های زبان فارسی، مهمترین ترکیبات واژگانی با فعل «(دیدن» جمع‌آوری شده و مورد بررسی شناختی قرار گرفت.

۵. تحلیل داده‌ها

تحلیل مقاله حاضر به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود؛ ابتدا به تفاوت فعل «دیدن» با دیگر افعال مرتبط همچون «مشاهده کردن»، «تماشا کردن»، «نگاه کردن» و غیره می‌پردازیم، سپس چند معنایی واژه «دیدن» را براساس قالب‌های معنایی بررسی می‌کنیم و درنهایت، باهمایی واژه‌هایی برگرفته از فعل «دیدن» را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۵ مقایسه فعل «دیدن» با دیگر افعال مشابه

برای بررسی فعل «دیدن» و افعال دیگری که در قالب «ادراکی- دیداری» قرار می‌گیرند، همان‌طور که در معناشناسی قالبی مرسوم است، بررسی‌ها را با ساختار نقشی آن‌ها شروع می‌کنیم، به این معنا که در مرحله اول برای یافتن این قالب معنایی لازم است نقش‌های معنایی را بررسی کنیم. اول، با درنظرگرفتن موقعیت خواهیم دید که چه عاملی و به چه ترتیبی روی می‌دهد. در این حالت موقعیت «دیده شدن شخص یا شیء» مورد نظر است؛ همچنین باید اذعان کرد که «دیدن» ممکن است بیننده یا دیده‌شده را تحت تأثیر قرار دهد یا ندهد.

دوم، شخص بیننده کسی است که صحنۀ مورد نظر را می‌بیند. این شخص ادراک‌کننده تصویری خاص با بهکارگیری عضوی از بدن خود، یعنی «چشم»، است، بنابراین نوع رویداد «ادراکی» خواهد بود. سوم، «دیده‌شده» می‌تواند شخص، شیء یا هر صحنۀ دیگری باشد، بنابراین برای تعیین‌دادن به آنچه دیده می‌شود، از آن به «پدیده دیده‌شده» یاد می‌کنیم.

اعمالی که در این قالب تعریف می‌شوند عبارت‌اند از: دیدن، مشاهده کردن، نگاه کردن، چشم‌دختن، نظر انداختن، نظاره کردن، نظر آمدن، تماشا کردن، ملاقات کردن، شاهد بودن، نگریستن و ناظر بودن. این افعال براساس قالب معنایی «ادراکی- دیداری» که حاوی نقش‌های دستوری، نقش‌های معنایی و کاربردشناسی است، از یکدیگر قابل تشخیص خواهند بود. باید دقت داشت هر کدام از این افعال ممکن است در قالب‌هایی دیگر نیز تعریف شوند ولی در این بخش از مقاله منظور ما فقط تعریفی است که در حوزه قالب «ادراکی- دیداری» قرار می‌گیرد.

«دیدن» با «مشاهده کردن» فرق دارد؛ چرا که «دیدن» در قالب «ادراکی- دیداری» رویدادی است که معمولاً به صورت تصادفی و ناخواسته روی می‌دهد، درحالی‌که «مشاهده کردن» با دقت و برای کشف جزئیات انجام می‌گیرد و معمولاً با نتیجه‌ای همراه است.

۱. دیروز عکسش را دیدم.

۲. در وبسایت ایرانسل می‌توانید کارخانه و مدل گوشی خود را مشاهده کنید.
همان‌طور که در مثال «۱» مشاهده می‌شود اگر فعل مشاهده کردن را به کار ببریم، آن‌گاه جمله

نیازمند موشکافی بیشتری خواهد بود و با دقت بیشتری انجام می‌گیرد. همچنین، در مثال «۲»، بیننده برای کشف مدل و کارخانه‌گشی خود با دقت بیشتری به وبسایت ایرانسل نگاه می‌کند. همچنین باید دقت داشت که از واژه «مشاهده کردن» بیشتر در متون علمی استفاده می‌شود. از آنجا که هم‌معنایی «دیدن» و «مشاهده کردن» نسبی است^۶، بنابراین در تمام موارد نمی‌توان این دو را با هم جایگزین کرد، برای نمونه در مثال «۳» این جایگزینی با تغییر معنایی همراه است.

۲. دانشمندان در تحقیقات خود مشاهده کردند که اشعه K خود دو نوع اشعه است.

اما «نگاه کردن» در قالب «ادرآکی-دیداری» با موارد پیشین فرق دارد؛ اگر در مثال اول «دیدن» را با «نگاه کردن» جایگزین کنیم، آن‌گاه دیگر فقط در مورد ادرآک غیر ارادی شیء صحبت نمی‌کنیم، بلکه به عملی خاص برای مقصودی خاص اشاره می‌کنیم، بنابراین عامل «ارادی بودن» به‌طور نسبی بخشی از پیش‌فرض افعال «مشاهده کردن» و «نگاه کردن» است و آن‌ها را از «دیدن» مجزا می‌کند. جمله «۴» نمونه‌خوبی از کاربرد همزمان افعال «دیدن» و «مشاهده کردن» را به دست می‌دهد:

؟ من به جدول رده‌بندی نگاه کردم، دیدم استقلال صدرنشینیه.

در مثال «۴»، «دیدن» در قالب «متوجه شدن» به کار رفته است، این تنها زمانی ممکن است که «نگاه کردن» با دقت انجام بگیرد و به عملی ارادی اشاره کند. حال می‌توان آزمایش اضافه کردن «تصادفاً» را برای تعیین «ارادی بودن» در مثال «۵» انجام داد:

۵. (الف) تصادفاً رضا را در خیابان دیدم.

(ب) * تصادفاً به عکس‌های او نگاه کردم.

(پ) * تصادفاً تلویزیون تماشا کردم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، فعل «دیدن» را همراه قید تصادفاً می‌توان به کار برد، این در حالی است که افعال ارادی همچون «نگاه کردن» و «تماشا کردن» را نمی‌توان همراه قید «تصادفاً» به کار برد. باید دقت داشت که منظور از «دیدن» در بخش اول این مقاله، تعریف آن در قالب «ادرآکی-دیداری» است، چنانچه «دیدن» در مثال «۶» در قالب دیگری روی می‌دهد و آن قالب تصحیح کردن است.

۶. دیروز برگه امتحانی تو دیدم، آفرین. نمره خوبی گرفتی.

اما تفاوت «نگاه کردن» و «مشاهده کردن» به عامل‌های شناختی «هدف» بازمی‌گردد، زیرا هدف «نگاه کردن» کشف موردی خاص نیست، درحالی‌که هر دو ارادی هستند، «مشاهده کردن»، عمل «نگاه کردن» برای کشف جزئیات و روابط بین اجزای «مشاهده شده» می‌باشد. اگر «نگاه کردن» را در مثال «۲» با فعل «مشاهده کردن» جایگزین کنیم، می‌بینیم که جمله اندکی از لحاظ معنایی متزلزل می‌شود. مورد دیگر «تماشا کردن» است که همانند «مشاهده کردن» و «نگاه کردن» در گروه افعال ارادی قرار می‌گیرد و از «دیدن» متمایز می‌شود.

۷. مردم بیشتر اوقات فراغت خود تلویزیون تماشا می‌کنند.

۸. بعد از مدت‌ها به تماشای مسابقات اسب‌سواری رفت.

«تماشا کردن» و «مشاهده کردن» هر دو با دقت همراه هستند و با «دیدن» و «نگاه کردن» به‌طور نسبی تفاوت دارند. تفایز «مشاهده کردن» و «تماشا کردن» در نوع هدف یا زاویه دید بیننده می‌باشد؛ چرا که مشاهده‌کننده دیدی کنترل شده به مشاهده‌شده دارد، درحالی‌که آنچه تماشا می‌شود برای کشف موارد کنترل شده نیست. برای درک تفاوت در اهداف می‌توان در مثال «۷» به‌جای «تماشا کردن» از فعل «مشاهده کردن» استفاده کرد و دید که جمله تاحدوی غیر عادی به نظر می‌رسد، چون ماهیت رویداد‌های مشاهده کردن و تماشا کردن با هم متفاوت است.

آنچه مسلم است بین نمونه‌های قالب «ادراکی - دیداری»، تفاوت‌های سبکی هم وجود دارد، برای مثال «مشاهده کردن» به صورت رسمی به کار می‌رود، درحالی‌که «دیدن» واژه‌ای خنثی است و «نگریستن» واژه‌ای رسمی و ادبی است و به صورت روزمره به کار نمی‌رود. درکل، می‌توان نمونه‌های قالب «ادراکی - دیداری» را در جدول «۳» خلاصه کرد. در این جدول برخی از عناصر قالبی^{۱۷} مناسب قالب «ادراکی» در زبان فارسی تعیین شده است تا بتوانیم تفاوت‌های ظرفیت افعال هم‌معنا را برای زبان فارسی آشکار کنیم.

جدول ۳ تفکیک عناصر قالب «ادراکی - دیداری»

مثال	سبک	کنترل	هدفمند	با دقت	ارادی	عنوان
دیروز کتابت را دیدم.	خنثی					دیدن
به آن تصویر نگاه کن.	خنثی				✓	نگاه کردن
بازی را تماشا کردم.	رسمی		✓		✓	تماشا کردن
همان‌طور که مشاهده می‌کنید. ...	رسمی	✓	✓	✓	✓	مشاهده کردن
فور را دل‌مشغول شد و از آن جانب نگریست.	ادبی				✓	نگریستن
هلال ماه شوال در بیزد رؤیت شد	بافت خاص	✓	✓	✓	✓	رؤیت کردن
این تصاویر را ملاحظه کنید	رسمی			✓	✓	مالحظه کردن

از آنجا که به‌دستدادن واژه‌هایی با معانی کاملاً یکسان در زبان، اقتصادی نیست، بنابراین هر کدام از واژه‌هایی که در قالب «ادراکی - دیداری» مطرح شدند، باید کاربرد خاصی داشته باشند و تفاوت آن‌ها

در نوع شرکت‌کنندگان، مشخصه‌های کاربردشناسی و روابط جامعه‌شناسی موضوع‌ها نمایه‌سازی شده باشد.

همان‌طور که در جدول «۳» نشان داده‌ایم، هم‌معنایی در این قالب مطلق نیست و به صورت نسبی است. با استفاده از عناصر قالبی می‌توان تفاوت‌های ظریف بین افعال را به خوبی نشان داد.

۵-۵. قالب‌های معنایی فعل «دیدن»

در این بخش، نخست چند معنایی واژه «دیدن» را از منظر نظریه قالب‌های معنایی بررسی کرده و برای هر کدام از معنایی مختلف این فعل، قالبی مجزا ارائه می‌دهیم.

الف) قالب معنایی «ادراکی-دیداری»

۹. جمعیتی از سربازان مسلح را در خیابان دیدم.

قالب معنایی: «ادراکی-دیداری»
ساخت دستوری: کسی (فاعل) کسی یا چیزی یا صحنه‌ای را (مفهول) دیدن (فعل)
نوع فعل: رویدادی
نقش‌های معنایی: الف) ادراک‌کننده
(ب) پدیده ادراک‌شده
(پ) چشم

شکل ۴ قالب معنایی «ادراکی-دیداری»

در این قالب معنایی که با استفاده از عضو «چشم» انجام می‌گیرد، چهار ویژگی معنایی در جدول «۴» مشخص شده است. نوع فعل رویدادی است و دارای سه نقش معنایی «ادراک‌کننده»، «پدیده ادراک‌شده» و «چشم» است.

ب) قالب معنایی «ملاقات کردن»

۱۰. خیلی دوست داشتم دوباره او را ببینم. (برنامه تلویزیونی، شخص نابینا)

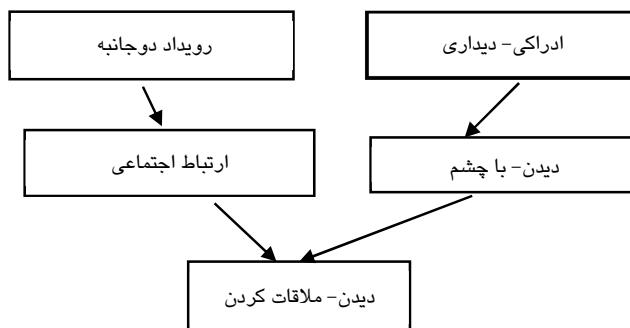
۱۱. شاید فردا برم و وکیل را ببینم.

۱۲. فردا همیگر را در شرکت می‌بینم.

<p>قالب معنایی: «ملاقات کردن»</p> <p>ساخت دستوری: کسی (فاعل) کسی/کسانی را (مفعول) دیدن (فعل)</p> <p>نوع فعل: رویداد دوچانبه</p> <p>نقش‌های معنایی: بخش اول: عامل (۱) = کنش‌پذیر (۲)</p> <p>بخش دوم: عامل (۲) = کنش‌پذیر (۱)</p>
--

شکل ۵ قالب معنایی «ملاقات کردن»

از آنجا که نمونه بالا از نوع چندمعنایی است، معنای آن باید با قالب «ادراکی- دیداری» تناسبی داشته باشد و به عبارت دیگر می‌باید منشعب از آن باشد. فرق قالب «ادراکی- دیداری» و «مقالات کردن» در این است که در مورد اول ادراک‌کننده، شخص یا پدیده‌ای را می‌بیند، درحالی‌که در مورد دوم این پیش‌فرض وجود دارد که شخص دیده شده، خود نقش بیننده (تجربه‌گر) را نیز بازی کرده است؛ به عبارت دیگر نوع فعل رویدادی دوچانبه را تداعی می‌کند.



شکل ۶ رابطه قالب معنایی «ادراکی- دیداری» و «مقالات کردن»

پ) قالب معنایی «فهمیدن»

۱۲. وقتی دید که توانایی رقابت با او را ندارد، از در توطئه وارد شد.

۱۴. دیدم (که) نمی‌شود مسئله را به این راحتی حل کرد، بنابراین از او شکایت کردم.

قالب: «فهمیدن»

ساخت دستوری: کسی (فاعل) بین (فعل) که (حرف ربط)

نوع فعل: زمانی و انتزاعی

نقش‌های معنایی: فهمنده

شکل ۷ قالب معنایی «فهمیدن»

ارتباط قالب «ادراکی- دیداری» با قالب «فهمیدن» در این است که «دیدن» در این مورد از فضای فیزیکی و ادراکی به فضایی انتزاعی‌تر ربط داده شده است، به عبارت دیگر نوعی «دیدن شناختی» روی می‌دهد. این حالت خود ممکن است در قالب استعاره «ذهن چشم است» روی دهد. همچنین «فهمیدن» گاهی اوقات از روی شواهد فیزیکی ممکن می‌شود، در این حالت «دیدن» می‌تواند به معنای «مشاهده کردن» به کار رود.

(ت) قالب معنایی «بررسی کردن»

۱۵. بگذار ببینم (آیا) می‌شود آرزوی تو را برآورده کنم.

۱۶. حالا ببینم چه می‌شود.

۱۷. بین غیر از گریه می‌شود کار دیگری انجام داد.

قالب معنایی: «بررسی کردن»

ساخت دستوری: کسی (فاعل) بین (فعل) (که) (آیا)

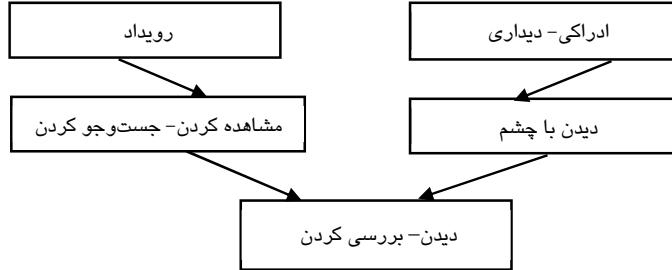
نوع فعل: فعلیت

نقش‌های معنایی: (الف) جستجوگر

(ب) رویداد جستجو شده

شکل ۸ قالب معنایی «جستجو کردن»

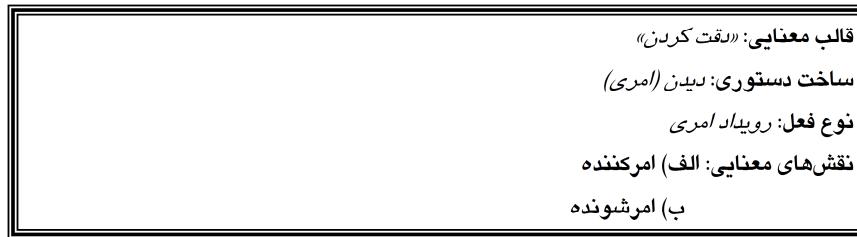
در این مورد، رابطه قالب معنایی «ادراکی- دیداری» و «جستجو کردن» در این است که گویی شخص آزمایشی انجام می‌دهد تا مشاهده کند آیا رویداد مورد نظر امکان‌پذیر است یا خیر. این تناسب را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



شکل ۹ رابطه قالب معنایی «ادراکی-دیداری» و «بررسی کردن»

ث) قالب معنایی «دقت کردن»

۱۸. فقط بین چیکار می‌کنم.
۱۹. بین! من نمی‌توانم با او روبه‌رو شوم.



شکل ۱۰ قالب معنایی «دقت کردن»

در این قالب، فعل فقط به صورت امری به کار می‌رود. رابطه‌ای که این قالب با قالب معنایی «ادراکی-دیداری» دارد این است که شخص امر به دیدن می‌کند، در این حالت «دیدن» از حالت ادراکی غیر ارادی به حالت ارادی تغییر حالت می‌دهد و عنصر «توجه» و «دقت» به فعل افزوده می‌شود.

ج) قالب معنایی «پیش‌بینی کردن»

۲۰. روزهای خوبی می‌بینم.
۲۱. روزی را می‌بینم که هیچ‌کس به فکر انتقام از دیگران نباشد.
در این نمونه، فعل «دیدن» به معنای پیش‌بینی کردن به کار رفته است و به نظر می‌رسد برگرفته از آیین «فال گرفتن» باشد؛ چرا که پیش‌بینی براساس دیدن شواهدی در جسمی جادویی یا مثلاً در لیوان قهوه بازنمایی می‌شود.

۳-۵. باهمایی فعل «دیدن» با عناصر اسمی و فعلی

در این بخش به شرح باهمایی دیگر واژه‌ها با «دیدن»، به عنوان نوعی واژگانی شدن می‌پردازیم، بسیاری از این موارد در واژه‌نامه‌های مختلف ذخیره شده‌اند که تعداد آن‌ها بسیار زیاد است، در این مقاله به نمونه‌هایی از این باهمایی اشاره می‌کنیم. بسیاری از این موارد به صورت اصطلاحی درآمده‌اند و معنای کلی آن‌ها از ترکیب اجزای آن‌ها قابل استخراج نیست.

اگر بخواهیم رابطه بین اجزای این اصطلاحات را رمزگشایی کنیم، معنای «دیدن» ممکن است در نگاه اول ساده به نظر برسد و به یکی از معانی ذکر شده در بخش «۵-۲» بازگردد و معنای کل با ترکیبی ساده به دست آید.

۲۲. به چشم دیدن؛

۲۲. چشم کسی را دور دیدن.

این‌ها نمونه‌هایی از اصطلاحاتی هستند که همراه فعل «دیدن» به کار می‌روند و رمزگشایی معنای آن‌ها کار دشواری نیست. اما مواردی هم هست که با وجود داشتن دستوری ساده معنای آن‌ها از ترکیب معنای اجزای آن قابل رمزگشایی نیست.

۲۴. چهارچشمی نگاه کردن؛

۲۵. با یک چشم دیدن.

در این مقاله به بررسی تعدادی از معمول‌ترین باهمایی واژگانی فعل «دیدن» همراه با واژه‌های دیگر می‌پردازیم. با استفاده از قالب‌های معنایی به رمزگشایی این ترکیب‌ها دست خواهیم زد.

- خسارت‌دیدن، صدمه‌دیدن، آسیب‌دیدن، آزار‌دیدن، رنج‌دیدن

۲۶. دانش‌آموزان از این حادثه آسیب دیده‌اند.

۲۷. فشار الکتریکی و نوسان باعث می‌شود وسایل الکتریکی آسیب بینند.

در مورد بالا، بیننده موجودی است که آگاهانه چیزی (خسارت، صدمه، آسیب) را می‌بیند، در این حالت فاعل (بیننده آسیب را دیدن = بیننده با حواس خود چیزی را تجربه کردن) فعل «آسیب دیدن» همان فاعل فعل «دیدن» است.

راه دیگر برای رمزگشایی این ترکیب‌ها استفاده از قالب معنایی «مجان» است. در این حالت، «دیدن» یکی از حواس است؛ بنابراین اگر «آسیب را حس کردن» معنای نزدیک «آسیب دیدن» باشد آن‌گاه «دیدن» به عنوان یکی از حواس می‌تواند معنای ما را یعنی معنای «تجربه کردن» را به دست دهد.

- تهیه‌دیدن، تدارک‌دیدن

۲۸. آن‌ها در حال تدارک‌دیدن برای استقبال از قهرمانان هستند.

۲۹. برای اردوی هفتۀ آینده تدارک زیادی دیده‌اند.

به نظر می‌رسد که «دیدن» در این ترکیب با قالب معنایی «پیش‌بینی کردن» هماهنگ باشد، بنابراین پیش‌بینی‌کننده تدارکاتی را پیش‌بینی می‌کند. از این لحاظ به نظر می‌رسد قالب «تهیه‌دیدن» با «تهیه‌کردن» فرق داشته باشد؛ چرا که اولی پیش‌فرض «پیش‌بینی لوازم» را با خود به همراه دارد، در حالی‌که «تهیه کردن» در زمان حال روی می‌دهد.

- مصلحت‌دیدن، صلاح‌دیدن

۳۰. به ترک خدمت پریمان نخواهم گفت/ چرا که مصلحت خود در آن نمی‌بینم (حافظ)

۳۱. صلاح نمی‌بینم بیشتر از این در کارش مداخله کنید.

دیدن در این مورد نیز با قالب «پیش‌بینی کردن» به کار رفته است و در مورد آینده صحبت می‌کند؛ گویی که با «فال‌دیدن» هماهنگ باشد و همانند آینه «فال‌گرفتن» شخص، مصلحت را در ابزار پیش‌بینی آن‌ها نمی‌بیند. بنابراین بیننده مصلحت و صلاح خود را در موارد ذکر شده نمی‌بیند. بیننده همیشه انسان است که به قیاس با «فال‌دیدن» مصلحت خود را نمی‌بیند.

- چشم‌زخم دیدن، چشم‌شور دیدن

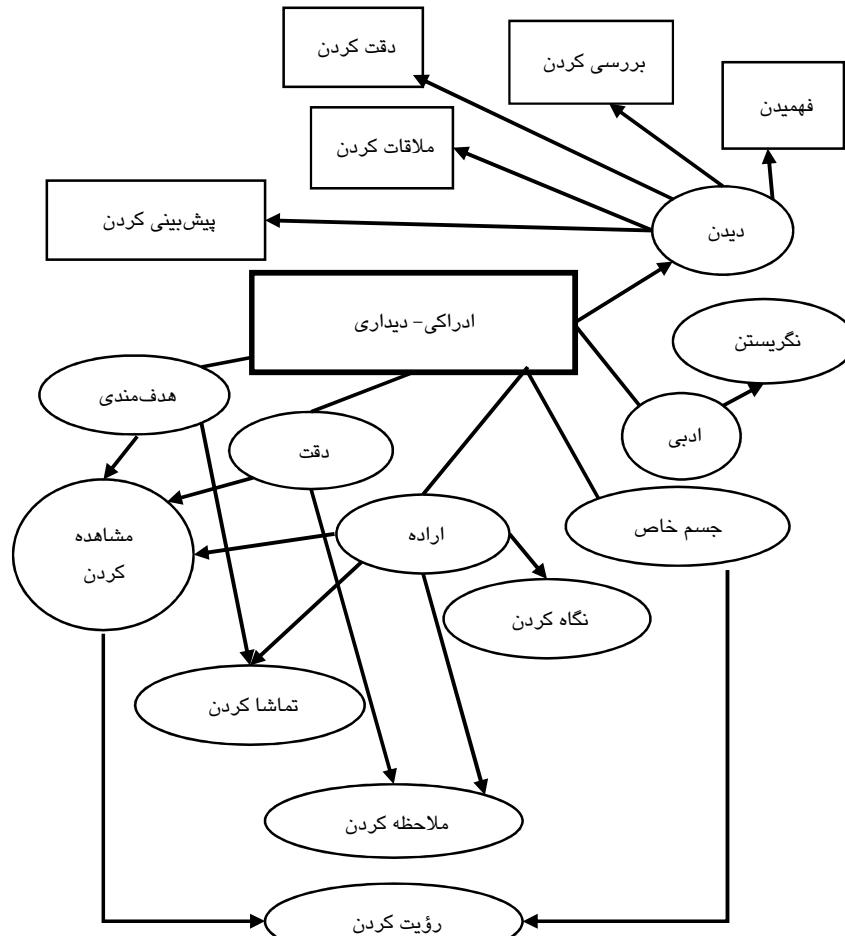
۳۲. چشم‌زخمی را که دید اقبال‌ها بینند چنانک/ قد او بر چشم خورشید اسب تازد هر زمان (حاقانی). «دیدن» در این حالت به معنای «تجربه‌کردن» به کار رفته است. بنابراین تجربه‌کننده، زخمی را که از چشم دیگران ناشی شده است، تجربه می‌کند. «چشم‌زخم» به باوری اشاره دارد که در آن چشم شخصی ممکن است بر شخص دیگری اثرات زیان‌باری داشته باشد. به این ترتیب در این قالب معنایی تأکید بر تجربه‌کننده چشم‌زخم است؛ در حالی‌که شخصی صادرکننده آن می‌باشد که در جمله «چشم‌زخم دیدن» به صورت پیش‌زمینه در معنای این عبارت وجود دارد.

از نمونه‌های دیگری که از باهمایی واژه‌ای با «دیدن» ساخته می‌شوند عبارت‌اند از: خواری‌دیدن، مجازات‌دیدن، راستی‌دیدن، رنج‌دیدن، محنت‌دیدن، روادیدن، رحمت‌دیدن، تمتع‌دیدن، عیان‌دیدن، بلا‌دیدن، گزندیدن، سان‌دیدن، واجب‌دیدن و غیره.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی واژه «دیدن» از منظر قالب‌های معنایی، با هدف توصیف عناصر معنایی پرداختیم و براساس دانش پیش‌زمینه و تجارب، قالب‌های هر کدام از واژه‌هایی را که با دیدن مرتبط بودند، ترسیم نمودیم.

اگر بخواهیم مطالب این مقاله را در مدلی مناسب شبکه‌های قالبی ارائه دهیم، باید آن را به شکل زیر ترسیم کنیم:



شکل ۱۱ شبکه قالبی واژه «دیدن»

آنچه از این نمودار قابل دریافت است، اهمیت قالب «ادراکی- دیداری» است که منشأ و عامل ایجاد ارتباط معنایی است. آنچه این نمودار نشان می‌دهد بی‌نشان بودن واژه «دیدن» در مقایسه با دیگر معانی مرتبط است؛ همچنین از طریق قالب «ادراکی- دیداری» می‌توان به قالب‌های دیگر فعل «دیدن» نیز دست یافت.

تعریف‌شدن یک واژه واحد در قالب‌های معنایی متفاوت نشان‌دهنده چندمعنا بودن فعل «دیدن» است، این معانی از طریق قالب «ادراکی- دیداری» با همدیگر مرتبط شده‌اند. همچنین تعریف متغیرهایی علاوه بر قالب پایه، به تعریف واژه‌های مرتبط به فعل «دیدن» کمک می‌کند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Background knowledge

۲. ر.ک. سایت FrameNet در بخش منابع.

۳. ر.ک. سایت قالب‌نت زبان فارسی در بخش منابع.

4. Frame semantics

5. Commercial event

6. Schemata

7. Script

8. Scenario

9. Ideational Scaffolding

10. Cognitive model

11. Folk theory

12. Trajector

13. Landmark

14. Figure

15. Ground

۱۶. باید دقت داشت که «دیدن» و مشاهده‌کردن در قالب «ادراکی- دیداری» از هم مجزا هستند؛ در حالی‌که در قالب «فهمیدن» در برخی موارد قابلیت جایگزینی دارند، بنابراین نباید در تحلیل‌ها دچار خطا شد و قالب‌های متفاوت را با هم اشتباه گرفت.

17. Frame elements

۸. منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۹۱). *لسن‌گردی زبان فارسی ۱ و ۲*. ویرایش ۴. تهران: فاطمی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رضاییان، علی و قاسم سالاری (۱۳۹۲). «تحول راغ بین از فعل ساده به مرکب». *مجله زبان-پژوهی* (دانشگاه الزهرا)، س. ۴. ش. ۸ صص ۵۳-۶۵.
- سلطانی، رضا و محمد عموزاده (۱۳۹۱). «رویکردی شناختی به چندمعنایی: مطالعه موردی فعل حرکتی آوردن». *مجموعه مقالات سومین هم‌افدیشی معناشناسی*. به کوشش سپیده عبدالکریمی. تهران: نشر نویسه‌پارسی. (صص ۲۳۳-۲۵۶).
- فیاضی، مریم‌سادات (۱۳۸۸). *بررسی چندمعنایی در زبان فارسی؛ رویکردی شناختی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فیاضی، مریم‌سادات؛ عالیه کرد زغفرانلو کامبوزیا؛ ارسلان گلفام؛ آزیتا افراشی و فردوس آقائلزاده (۱۳۸۷). «خاستگاه استعاری افعال حسی چندمعنا در زبان فارسی از منظر معنی‌شناسی

شناختی». مجله ادب پژوهی. ش. ۶. صص ۸۷-۱۱۰.

References:

- Anvari, H. & H. A. Givi (2013). *Persian Language Grammar 1, 2*. Fourth Edition. Tehran: Fatemi Publishers [In Persian].
- Baker, C. F. (1999). *Seeing Clearly: Frame Semantic, Psycholinguistic, and Cross-Linguistic Approaches to the Semantics of the English Verb See*. PhD Dissertation. Berkeley : University of California.
- Croft, W. & D. A. Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fayyazi, M. A. (2010). *Investigating Polysemy in Persian based on Cognitive Approach*. (Unpublished Ph.D. Thesis). Tehran: University of Tarbiat Modares [In Persian].
- Fayyazi, M.; A. Golfam & A. K. Z. Kambouziya (2010). “The metaphoric origin of the polysemic perceptive verbs in Persian: a cognitive semantic approach”. *Journal of Adab Pazhuhi*. (6).Pp. 55-85 [In Persian].
- Fillmore, C. J. & Atkins, B. T. (1992). “Toward a Frame-Based Lexicon: The Semantics of RISK and its Neighbours”. *Frames, Filelds and Contrasts* 102.
- Fillmore, C. J. (1982). “Frame Semantics”. *The Linguistic Society of Korea: Linguistic in the Morning Calm*. Pp. 65-137.
- Fillmore, C. J. (2014/07/02). *FrameNet*. Retrieved from <https://framenet.icsi.berkeley.edu/frames/>.
- Langacker, R. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar*, Vol I. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Rasekh Mahand, M. (2012). *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Reza'eian, A. & G. Salari (2014). “The development of 'dagh didan' from simple to complex verb”. *Journal of Zaban Pajouhi* (8).pp. 53-65[In Persian].
- Soltani, R. & M. Amouzadeh (2013). “A cognitive approach to polysemy: a case study of the verb 'avardan”’. *Proceedings of the Third Conference on Semantics*. (pp. 233-



- 256). Tehran: Neviseh Parsi Publishers [In Persian].
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics, Vol I: Concepts Structuring Systems*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - Ungerer, F. & H. Schmid (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Pearson Education Press.